

نویسنده : ویجیا پراشاد (vijay prashad)

منبع و تاریخ نشر : کونترپونچ 2011-6-19-17

مترجم : پوهندوی دوکتور سید حسام (مل)

درد و آلام از افغانستان و پاکستان

واشنگتن هوشمندانه و ماهرانه در تلاش و جستجوی آن میبا شد که حوادث و رویدادهای مهم را وزنه و اعتبار بیشتر بد هد که در گذشته ها آنرا به ثمر نرسانیده و یابه انجام آن دست نیازیده بوده، ریس جمهور با رک اواما نه تنها در پی آنست که در شکوه و عظمت بها ر عرب د یگرهارا شریک سازد، بلکه باکشورهای گروه هشت (G8) و صندوق بین المللی پول (IMF) میخواهد مشترکاً مساعدت های بعدی را بهتر سروصورت دهد. وازسوی دیگر آقای بارک اواما ریس جمهور ایالات متحده امریکا سعی می ورزد که در مقابل بی نظمی های موجوده افغانستان تعا فل واغماض نماید و کمتر توجه اش را به دود لی، تردد و یا و یا و سرای های ریس جمهور حامد کرزی مبنی بر جعل کاریها و بیهوده گی در گفتار و کردارش که امروز در کشورش به آن مبادرت می ورزد مبذول نماید .

همه میدانیم که فصل انتخابات در ایالات متحده امریکا گشایش یافته، دموکراسی در سرزمینهای عرب یک شعار بهتر نسبت خاطرات جنگ های گندیده و متعفن در حال انجام است و این دستاوردها تا به حال هزینه ای بیش از (6,7) تریلیون دالر (با توجه به اولویت های پروژه های ملی) برداشته است. واژه های فوق العاده و شگفت اور همچو حملات طیارات بیدون پیلوت، کاهیدن و یا کاستن از تعداد محبوسین گوانتانامو همه موضوعاتی اند که به آقای اواما نظر به تصور خودش امید وارکننده جلوه مینماید و یا اورا امیدوار ساخته است. از جانب دیگر اعتصابات جوانان در میدان تحریر به آقای اواما رنگ براق و به واشنگتن ثبات و استقرار ممکن ببخشد، و این دست اوردها ایشان را در سمت راست تاریخ قرار خواهد داد. با درک واحساس از همه و جار و جنجال خلق شده در شرق میا نه و شمال افریقا (حوزه مینا) واشنگتن تصمیم گرفت که به منظور زدودن این هیاهو و برقراری ثبات و به منظور دگرگونی در منطقه به ساخت و ایجاد مراکز

ویندرگهای مشابه و همانند امن بپردازد، آقای اوباما بمنظور نیل به این هدف مبنی بر دیگر گونی منطقه درسخرانی نهم برج می خویش که در وزارت امورخارجہ ایالات متحده امریکاایراد نمود تاکید ورزید وبه خاطر تحقق این اولویت کمک مبلغ دوبیلون دالر را بمنظور احیای مجدد رکود اقتصادی منطقه اعلام نمود، موازی به آن چیزی دیگر آموزنده ایکه آقای اوباما توجه دیگران را به خودجلب کرد چنین بود و اوگفت : سرمایه گذاریهای شرکت ها جدید مود لی مشابهی خواهند بود آنطوریکه بعد از فروریختن دیوار برلین سرمایه گذاری ها بود که باعث دگرگونی در اروپای شرقی شد. اوباما بعد از نشست گروپ کشورهای هشت گانه (G8) منعقدہ فرانسه بتاریخ (28) می عازم لهستان شد وروی مشابہت ها تاکید بیشتر نمود، اوباما رهبری لهستان رانسبت اعزام هیات نماینده گی شان به تونس غرض تبادل تجارب وگذاربه دموکراسی بیشتر ستود و یاداورشد که شما برای نهادینه کردن این دگرگونی اقدام بزرگ نموده اید، که واقعاً یک روند ویک پروسه ای مشکل میباشد.

واشنگتن در ایجاد تنظیم و تا مین روابط دوجنبش در تاریخ جهان معاصر پیوسته در تلاش تجدید نظر طلبی میباشد یعنی به اصطلاح سیاسی پالیسی ریویژنیزم (revisionism) رادنبال می نماید. با در نظر داشت همین اصل ایالات متحده امریکا به جهانیان طوری وانمود ساخت که او یعنی امریکا همیشه طرفدار تغییر و دگرگونی در شمال افریقا میباشد که به نفع همه باشد و بدین اساس با تمام سعی و تلاش و احتیاطی که بخرچ داد تادر تظاهرات بزرگ و طولانی تونس و مصر دخالت نه نماید ولی سرانجام چنین بر ملا شد آنچه که امریکا ادعا می نمود دور از واقعیت بود و برای همه روشن شد که بجز از مکدر ساختن اذهان جهانیان چیزی دیگر نبود، بخصوص هنگامیکه آقای اوباما نماینده خاص خود را یعنی آقای فرانک وایسنر را بغرض جابجا سازی رفیق اش حسن مبارک به مصر فرستاد . علاوه بر آن انالوژی و شباهتها آنطوریکه مقامات ایالات متحده امریکا ادعا می نماید، چنین است و آن اینکه در دگرگونی های اروپای شرقی بعد از کمونیزم این روشنفکران و مقامات رسمی ایالات متحده امریکا بود که از هیچ نوع همکاری دریغ نه ورزیده اند. در حالیکه مارشال گولد من تاریخ نویس معروف و اقتصاد دان لهستانی آقای جفری ساکس (Jeffrey Sachs) این دگرگونیها را بنام خصوصی سازی اروپایی شرقی یاد می نمایند. و آن بدین معنی که سطح بیکاری بالاتر از (10%) بیدون موجودیت شبکه امنیت اجتماعی (که حد

اقل ها اشکاراً توسط رژیم های قبلی تدارک دیده میشد)، پوپلیزم دست راستی رادرشرق درمیان اوستلجیا رشد دادند (نوستلجیا برای رژیم های قبلی) که نسخه مناسب برای مردمان سرزمین های عرب نمی باشد.

بهارعرب مبرا وبیدون تشویق ایالات متحده امریکا از بسا جهات صورت گرفت ویا برگذارشد «پایزیاخزان ملل» اروپای شرقی درسال (1989) با منطق خودش برگذارشد (آنطوریکه هریک **Mary Elise Sarott** «پروفیسور روابط بین المللی نویسنده ای کتاب مبارزه بمنظور ایجاد پس ازجنگ سرد اروپا» و **constantine pleshkov** مولف کتاب تحت عنوان هیچ آزادی بیدون نان وجود ندارد). درکار کرده گیهای جدید شان روی آن روشنی انداخته اند.

سعی وتلاش مذبحانه ای مطبوعات ایالات متحده امریکا بغرض بیشتراعتباربخشی به بهارپرشگوفه با اشاره انگشت درفیس بوک یا در کتابچه یاداشت توسط فیلسوف جنرالشارپ بجز تعجب شگفت اور برای کارگران کانالسویز یا برای کدرهای برادران اخوان المسلمین ویا حتا برای دانشجویان پوهنتونهای قاهره آنهایکه ازخواب دیدن های دیگران بی خبر اند چیزی دیگری نمی باشد. آنها یعنی کارگران کانال سویز و کدرهای برادران اخوان المسلمین ودانش آموزان پوهنتونهای قاهره نمی خواهند ویا تمایل ندارند که انقلاب ود ست اوردهای انقلاب شان دردست نیروهای نظا می سرپرست بعد از رژیم حسن مبارک دایماً باقی بماند، بناً روی ای ملحوظ مردم مصر بتاریخ «27» می دوباره به میدان تحریرتجمع کردند وخواستارریفورم های هرچه بیشتر گردیدند وازمقامات مربوطه بغرض برگذاری انتخابات عمومی درختم همین سال خواهان تضمین وضمانت گردیدند ویک بار دیگر روی مطالبات قبلی شان با ترس اینکه مبادا این رژیم نظامی باردیگر به راه حسن مبارک بازگشت نماید تاکید ورزیدند. این انقلاب، انقلاب مصر است! که هیچ دستور ازجای دیگر به دنبال ندارد ویا هیچ مرجع دیگر را اجازه نمیدهد که درآن مداخله ویا تشبث نماید به صفت نیروهای سیاسی تا زه انرژی وآنهم درسایه صندوق بین المللی پول (IMF) وگروپ کشورهای هشت گانه و روسای بانکهای تجاری دست به ایجاد فضای سیاسی قابل دسترس درمصر وتونس زده وبه طرح برنامه های شان مبادرت ورزیدند، صندوق بین المللی پول دربیست وهفتم ماه می براساس اطلاعات دردست داشته کنونی اش چنین گذارش داد:(نیاز آن موجوداست که به تامین وجوه مالی خارجی بخاطر واردکردن

نفت در منطقه {بیشتر در تونس و مصر} پروژه ای با سرمایه ای بیش از (160) بلیون دالر در طی سالهای 2011-2013 باید در نظر گرفته شود (خبری خیلی مدهش و خطرناک برای تونس و مصر میتواند تلقی شود و آنها هم با تزید قروض اضافی که هیچ برنامه ریزی برای راه اندازی مجدد اقتصاد راکد و متوقف شده شان ندارند و چسان خواهند توانست از زیر بار سود همچو مبالغ تازه سرمایه گذاری شده قد راست نمایند . سه روز بعد از طرح فوق صندوق بین المللی پول وعده وام (3) بلیون دالر و کشورهای گروپ هشت گانه وام مبلغ (20) بلیون دالر را از سازمانهای تجاری مختلف بین المللی وعده دادند،(با رنج و درد فراوان که ستیفن هارپر مجدداً به حیث نخست وزیر کانادا انتخاب میگردد، آن کسیکه همچو هزینه ویا پرداخت را نمیخواهد)، بناً اگر آن مبلغی را که ایالات متحده امریکا قبلاً متعهد شده بود با این مبالغ علاوه گردد جمع کل آن به (25) بلیون دالر میرسد که همچو آمار و ارقام بخصوص برای این دو کشور یعنی تونس و مصر از هر جهت اذیت کننده و طاقت فرسا خواهد بود، اما بعنوان پیش پرداخت کافی است تا ایالات متحده امریکا اطمینانی را مبنی بر تصمیمگیری مصر بدست آرد .

برای رهبران کشورهای گروپ هشت گانه ای با داشتن اقتصاد بالا، کارکنان و ماهران صندوق بین المللی پول یک گذارش بسیار مهم و ارزنده ای را تحت عنوان « تحول اقتصادی در خاورمیانه و شمال افریقا : توام با وعده رفاه مشترک » پیشکش نمودند، گذارش پیشکش شده بشکل وصفی حاوی بیان مبتذل دموکراسی و بعداً توام با توضیح وظایف اصلی (برگراف بلند بیکاری غلبه خواهد شد و اقتصاد مطابق نیازمندی زمان سریعاً رشد خواهد کرد) بود، کارکنان صندوق بین المللی پول با واگذاری و یا اعطای وام و بدهی عظیم و سرسام آور تحمیل شده به مصر مدعی بودند که با سرمایه گذاری این آمار و ارقام میزان رشد خیلی سریع خواهد شد و سود هنگفتی در پی خواهد داشت در حالیکه همچو سود به اسانی بدست نخواهد آمد ویا به آسانی مدیریت نخواهد شد پس درین صورت نیازبه سرمایه گذاری اضافی میباشد تا با کسب آن سرمایه اضافی بهبودی قابل ملاحظه در تولید و زیرساختها بوجود آید، بهر صورت این گذارش صندوق بین المللی پول جز عجله و شتاب در سودجویی و آنها هم به منظور منفعت جویی سکتور خصوصی دیگرهیچ محتوی نداشته و به هیچ وجهه بالای زخمهای اقتصادی مصر توان ملهم گذاری را نه داشته، فقط و فقط جاده رابرخ سکتور خصوص باز می نماید (زیرا درین امر

نقش کلیدی را بخش خصوصی بشمول جذب سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی با زی می نماید) و در نتیجه دولت باید قادر گردد که پالیسی حمایتی محیط زیست را در سرخط وظایف خویش قرار دهد که در آن رشد بخش خصوصی باید جداً در نظر گرفته شود. پس در این صورت اگر صندوق بین المللی پول و کشورهای هشت گانه راه خود را بسوی بهار عرب می کشایند قدم درخزان ویا پایز ملل کشورهای اروپایی شرقی خواهند گذاشت و در زمستان نا رضایتی اقتصادی بغرض سود و نفع شتابزدگی بخش خصوصی دست و پا خواهند زدوبه نسبت انحصار شرکتهای خصوصی و بیرونی و ذینفع دگر برفراز آسمان مصر پرچم آن به اهتزاز در نخواهد آمد و یاهیچ پرچمی در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا برفراز آسمان آن کشورها اهتزاز نخواهد کرد و با این تصورات تخیلی و میان تهی مادرزاد، صندوق بین المللی پول، جز اینکه در دهه بعدی برای مصر یک یونان دیگری را به ارمغان آورد چیزی دیگری در پی نخواهد داشت .

جنگ خوب: جنگ های امریکا یی برای ثبات و استقرار و اشنگتن کمتر ناراحت کننده میباشد، اما بدترین ازین (جنگ های خوب) همانا جنگ و اختلافات موجود در افغانستان می باشد، که بعضی ها انتظار آنرا دارند که بعد از مرگ اوسامه بن لادن تفاوتهای چندی در روند جنگ در افغانستان رونما خواهد گردید و طالبان به حیث نیروی قوی و استوار در هر دو کشور یعنی در افغانستان و پاکستان باقی خواهند ماند . و طیارات بیدون سرنشین سازمان سیاہ ایالات متحده امریکا در هر دو طرف مرز به بمباردما ن خویش دوام خواهد داد و باعث تلفات بیشتر اشخاص غیر نظامیان خواهد شد . بهر صورت قرار راپور سازمان ملل متحد و اداره مستقل حقوق بشر افغانستان در کابل مورخ (9) برج مارچ داستان غم انگیزی را مبنی بر تلفات اشخاص ملکی و بیگناه طی چهار سال گذشته چنین یاددهانی می نماید که در حدود (8832) نفر جان خود را از دست داده اند و گزارش ارایه شده در عین زمان می افزاید که تعداد تلفات با گذشت هر سال بیشتر نسبت به سال گذشته بوده، مثلاً در سال (2010) تعداد مجموع تلفات غیر نظامیان در افغانستان تا (2777) نفر بوده و به راحتی میتوان گفت که 3/4 این تلفات توسط طالبان با انفجارات حملات انتحاری صورت گرفته زیرا حملات انتحاری که توسط طالبان سازمان دهی میگردد محضاً به منظور کشتار اشخاص ملکی و غیر نظامیان میباشد، ژرژرت گانگون (Georgett Gagnon) کارمند ملل متحد سازمان حقوق بشر در کابل از تمام احزاب در سال

(2010) خواست که با پیروی از مسولیت‌های قانونی خود برای حفاظت جان غیرنظامیان صفوف شان را بسیج نمایند و جلو بمب گذاری‌های انتحاری و بمب گذاری‌های نظامی هر دو طرف درگیر جنگ را سد نمایند و با چنین احساسات شریفانه و پیگیر نگذارند که در این قلمرو اشخاص بیگناه بیشتر از این حیات شان را از دست بدهند .

کمیسیون حقوق بشر پاکستان در اواسط ماه اپریل در راپور تهیه شده ای سالانه اش میزان تلفات و کشته شدگان غیرنظامیان را چنین راپور داد: جمع کشته شدگان ملکی در سال (2010) در حدود (2542) نفر بوده که در اثر عملیات های نظامی و انفجارات انتحاری صورت گرفته و از جمله شمار تلفات ناشی از حملات انتحاری بالاتراز (1041) نفر گذارش داده شده است، و از جانب دیگر طی رات بیدون پیلوت سازمان سپاه ایالات متحده امریکا نسبت پرتاب بمب ها مسول کشتار بیش از (957) نفر بالاتراز رقم کشته شدگان معمول که در اثر عملیات‌های نظامی و بمب گذاری‌های کنار جاده صورت گرفته راپور داده شده است . مطابق گذارش کمیسیون حقوق بشر پاکستان تعداد تلفات ملکی بصورت ماهوار طی سال (2009) بالاتر از (140) نفر و تلفات ماهوار در سال (2010) تا (290) نفر راپور داده شده است، و فیات و کشتار غیرنظامیان بشمول اوسامابن لادن در سال (2011) رقم بیش از سال (2010) بوده و قابل تذکر است که در گزارش از مرگ ملا عمر رهبر طالبان افغانی که در یک یورش از بین رفته نیز تذکر بعمل آمده است، افزون بر آن در طی همین سال (2011) سه نفر ژورنالیست پاکستانی هر یک سلیم شهزاد، نصرالله خان افریدی و ولی خان بابر نیز بقتل رسیده اند، همچنان در اثر جنگها و اختلافات شدید و حملات مجاهدین و جنگجویان پروفیسور بلوچ آقای «سابا دشتیاری» نیز به قتل رسیده که میتوان آنرا داخل احصایه کشته شدگان نمود .

در طول دو سال سپری شده اندوه و سرخوردگی ریس جمهور کرزی افزایش قابل ملاحظه یافته، طالبان تمایل به قطع حملات انتحاری ندارند که این خود بمعنی اصلی آن برخورد نامتوازن زور و قدرت است که میتوان آن را یک تراژیدی تلقی کرد. و از جانب دیگر تا زمانیکه سازمان پیمان انتلانتیک شمالی (ناتو) به اشغال خود در افغانستان خاتمه ندهد بمب گذاری انتحاری طالبان ادامه خواهد یافت، بناً آقای کرزی در ارتباط با هر اشتباهی که از جانب ایالات متحده امریکا و شریک اش ناتو سرزند حق دارد که ناامیدی و افسرده گی اش را

اظهار نماید، حملات هواپیماهای بیدون سرنیشن با هر حمله اش مردم کابل را ازدولت ناراض و برای طالبان شورشی مواد سوخت و انرژی میبخشد تا به بمب گذاریهای انتحاری شان ادامه دهند ولو که مردم معصوم و بی گناه افغان زندگی شان را از دست میدهند که این خود پیمانۀ ناامیدی و افسرده گی حامد کرزی را لبریز نموده و از نظر عاطفی او را دچار فروپاشی و کولاپس میسازد.

حامد کرزی بعد از هر حمله و واقعه کشتار غزنظامیان که بوقوع پیوسته به ایالات متحده امریکا اخطار داده و بعداً با پریشانی و ندامت غایب گردیده است . بتاريخ (28) می نسبت هجوم حملات نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا بالای ولایت هلمند از خود (14) نفر (دو خانم و 12 طفل) کشته بجا گذاشت و یک هفته قبل از آن در ولایت خوست و تخار پنج نفر غیر نظامیان به قتل رسیدند، در ننگرهار طی اوایل ماه می یک افسر پولیس افغانی با اقارب و نزدیکان جوان اش کشته شدند، قابل تذکر است که تمام این رویداد ها و واقعات کشت و کشتار در هجوم و یورش های شبانه ای نظامیان ایالات متحده امریکا صورت گرفته است، در ماه فبروری در کنرها در دورویداد خطا و غلطی قابل تماشا که باعث کشتار (65) نفر و در برج مارچ سبب قتل (9) نفر بی گناه و معصوم غیر نظامی شد و همچنان قابل تذکر است که در همین ماه مارچ در یک هجوم دیگر شبانه، این بار در قریه کرزی قندهار بوقوع پیوست که باعث قتل یار محمد یکی از اقارب نزدیک کرزی گردید . این همه واقعاتی دلخراش و تاسف اوری اند که به اندوه و افسردگی کرزی افزوده میشود .

حامد کرزی در تشیع جنازه و بخاک سپاری عده ای از کشته شدگان افراد ملکی اشتراک ورزیده و بویژه در بخاک سپاری یار محمد کاکازاده اش که در اثر هجوم نیروهای نظامی امریکا و ناتو در وسط ماه مارچ بقتل رسید طی صحبت عذاداری از نظامیان ایالات متحده امریکا و متحد ش ناتو مقیم در افغانستان با کمال عزت و احترام بشکل خیلی عام فهم و بیدون غرور و تکبر تقاضا بعمل آورد و از آنها خواست که به عملیات های نظامی شان خاتمه دهند و دیگر باعث قتل و قتال افغانهای بیگناه و غیر نظامی نگردند، اوضمن صحبت اش یاد اوری نمود و گفت جای این جنگ در خاک مانیست، اگر این جنگ علیه ترور میباشد، پس این جنگ نباید در اینجا صورت گیرد، چونکه تروریستها اینجا نیست، بعد از صحبت حامد کرزی جنرال شماره دوم بخش نظامی

ایالات متحده آمریکا جنرال داوید رو دریگیوس (David Rodriguez) ازجایش بلند شد وچنین گفت : اگر استقرار و ثبات واشنگتن برای یک لحظه نفس گرفتن در نظر باشد من احتمالاً به آن موافقم . شاخه های اصلی القاعده شش هفته بعد از درگذشت بن لادن دیگر در افغانستان به مفهوم اصلی آن برای مبارزات انتخاباتی در افغانستان به بیان رسیده (تقاضای ما اینست که این جنگ با ید متوقف شود این مطلب را کرزی در تشیع جنازه پسر عمو اش خاطر نشان ساخت وگفت این آواز آواز افغانستان است .

بعد از کشت وکشتا رافراد ملکی در ماه می حامد کرزی کمی به جلو رفته چنین گفت « ما ز همین لحظه ای کنونی دگر به کسی اجازه نمیدهیم که بالای منا زل و خانه های افغانها حملات هوایی صورت گیرد » او این مطلب را در یک کنفرانس مطبوعاتی بیان داشت کرزی اضافه نمود که در غیر آن میتوان آمریکا و متحدانش را اشغال گر نامید (تاریخ گواه است که افغانستان با اشغالگران چه خواهد کرد؟) او این اظهارات را بانده و افسردگی بیشتر نسبت به خشم اش به مخاطبین اش بیان نمود، تهدید کرزی با جدول زمانی خروج قطعات چند نظامی آمریکا از افغانستان که ممکن است در ملاقات ماه جولای که با او با ما صورت میگرد عنقریب قابل بحث و مذاکره است . ولی وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا آقای رابرتس گیتس که ماموریت اش رو به اختتام است در یک صحبتی چنین گفت : برای خروج قطعات چند نظامی ایالات متحده آمریکا از افغانستان هیچ جدول زمانی روی دست نبوده و چنین پرحذر ساخت که نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا ممکن برای سالهای متمادی در افغانستان باقی خواهد ماند تا پاکستان این اطمینان را حاصل نماید که مواجهه به بی امنیتی نیست و آن اینکه پاکستان به نسبت بدست آوردن وجوه مالی خویش بالای آمریکا و استقرار واشنگتن تکیه میزند و به آن وفادار باقی میماند، اسلامآباد نیز مانند آقای کرزی یک اطاق کوچک برای اجرای مانورهای بدست دارد ولی آنچه میکند با کیفیت و شکیبایی و با اصول منطق مانورهایش را پیاده میکند و هیچوقت در روند اجرای فعالیت هایش اوقات تلخی و عجله نه مینماید . او با ما همچو والدین خسته و مانده و کسل به اطفال ناکام و شکست خورده خویش عقب دور میدهد یعنی پشت اش رامیگرداند، و در جستجوی اخذ تحسین و اعتبار برای موفقیت اش از دیگران می باشد ای این وضعیت به بدبختی ها و ناملایمتهای سیاست دهه های گذشته خارجی آمریکا

احساس و رونق بهتری خواهد بخشید؟ بهر صورت اگر اوباما در سال (2012) باردوم به حیث ریس جمهور ایالات متحده امریکا نایل آید در انصورت اسلام آباد و کابل را شریک خوشی های عرب نخواهد ساخت و اجازه نخواهد داد که تا دریای عمان گسترش یا بد واز اندوه افغانستان و افسردگی بیشتر پاکستان نخواهد کاست .

شهرت نویسنده مقاله آقای ویجی پراشاد: دایرکتر مطالعات بین المللی در کالج ترینیتی و مدیر کرسی تاریخ جنوب آسیا، مولف کتاب تحت عنوان ملل تاریخ مردم جهان سوم

پایان